

مطالعه تاریخ ۳ مرحله دارد :

۱- مرحله اول تاریخ حافظه ای ، تاریخ نقلی و یا تقویم تاریخ که بیشتر نقش سرگرمی را دارد و فقط به بررسی زمان ، مکان و اشخاص بدون تحلیل می پردازد.

۲- تاریخ تحلیلی یا تاریخ علمی ، که به کلیت علمی و علل بوجود آمدن حوادث و تأثیر آن بر محیط اجتماعی می پردازد. عبرت آموز است.

۳- استنتاج از تاریخ و پدید آوردن قانون برای تاریخ ، یعنی قوانینی که به تقسیم بزرگ کرده که به علت تکرار حوادث مورد اثبات قرار گرفته است ، را به دست آورد.

برای مطالعه تحلیلی تاریخ طبعاً باید روایت ها گفته شود. در مطالعات تاریخی ، منابع مختلف همراه با پیش داورها ، تحلیل نظریه ها ، در حالت نظرات شخصی و خرابی است و حتی بدعت.

گذاری تاریخی هم وجود دارد. چرا که مطالب تاریخ را از زبان دولت دشمن بررسی در دست می آید.

حکومت کور ایران قبل از انقلاب - مشروطه ، سلطنت مطلقه بوده یعنی پادشاه تعیین کننده ترین فرد برای تصمیم گیری در کشور بوده است . انقلاب - مشروطه به تغییر حکومت به سلطنت مشروطه منجر شود و پس از انقلاب <sup>اسلامی</sup> به جمهوری اسلامی تغییر پیدا کرد. یعنی خواسته های مردم در چارچوب قوانین اسلام قابلیت اجرایی شدن را دارند.

تأثیرات جنگ جهانی دوم بر ایران

- ۱- اشغال ایران با عدم تصرف
- ۲- عزل رضاشاه
- ۳- سرنگ پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی

تأثیرات منطقه ای جنگ جهانی اول

- ۱- اشغال ایران با رخ عدم تصرف
- ۲- سرنگ پادشاهی کوروش ۱۲۹۹
- ۳- فرود آمدن کوروش نامی و تبدیل به کوروشی اردن سوریه - عراق - عربستان و جمهوری ترکیه
- ۴- تغییر تقسیم منطقه

در لوله‌ی قاجار، عهد نام نیکان چای اوج حقارت ملی بود که بی‌دینگی از دلایل بیداری و رگامی بعدی بود.  
 از آنیب های مشروط این بود که استبدادین به طاهرانقلری شوند. این آلب تا حدی بیدار انقلاب  
 اسلامی هم دیده می‌شود. نیمه دگرانظم در مشروطه عدای انقلاب کردند و حالت مدیریت به  
 عده دیگری رسید. در هر دو انقلاب تا حد زیادی بی‌سواری و بی‌اطلاعی و عدم وجود اندیشه ملی  
 فکری و سیاسی در بین انقلابیون دیده می‌شود.

در برخورد با فرهنگ بیگانه دو حالت زیر ممکن است بوجود آید:

۱- خودسینگی، یعنی فرهنگ خودی را برای زندگی و اداره جامعه کافی و جامع دانسته و هیچ نیازی  
 به فرهنگ دیگر دیده نمی‌شود و فرهنگ بیگانه را صلاً غیر ضروری و گناه مفتر می‌دانند.


۲- از خود بیگانگی و سینگی که بعضی مورد بالاسهت. در این حالت در بین یکی از شرایط بی‌حوصلی و  
 بی‌جوابی فرهنگ بیگانه را برتر و لازم الاجرای دانند و معتقدند فرهنگ خودی هیچ گونه امتیازی برای  
 به کارگیری ندارد.

هر دو این حالات از تعادل خارج است و واقعتاً این است که هر فرهنگی امتیازات  
 و ویژگی‌هایی را دارد که البته باید حفظ شود و قطعاً فرهنگ‌های دیگر نیز مزایای دارند که  
 می‌توان با تبادل فرهنگی و گاه بومی سازی آن با در جابه خودم کاربرد.

توسعه به دو شکل دیده می‌شود:

۱- روحانی - در شکل عرانی و بنایی این نوع توسعه فزونی می‌خواهد نه روشنفکر و  
 محقق - گاه سریع نسیم آن دیده می‌شود.

۲- زیربنایی - فکری و فرهنگی. این نوع از توسعه روشنفکر، محقق، فیلسوف، جامعه‌شناس -  
 روان‌شناس و اقتصاددان در ... می‌خواهد که البته به تفریح فرهنگ اجتماعی بسیار محدود و  
 معمولاً زمان بر است.

آنچه که به نام توسعه در ایران از دوره رضاشاه آغاز شد و حتی تا زمان فعل هم ادامه  
 یافته است، بیشتر به توسعه روحانی منجر شده است. البته نواز مطهری توسعه تمدن، ابزار صید  
 در ایران رواج یافته بود که این تغییر فرهنگی آن که در  دوره ها فرهنگی جامعه ایران را

باید. حتی فرهنگ استفا در هیچ از ابزار و فنون نیز به همراه ورود آن نیامده است.  
جوامع صلی ایران در دوران گذار به پسر می روند. جوامع در حال توسعه که در حال گذار هستند  
در این فاصله گرفت از جامعه سنتی به جامعه صنعتی نیز تبدیل نگه اندو در ارضند. در نتیجه  
برکبی از آفوره های فرهنگی جامعه سنتی را به همراه جوامع مدرن دارند. احکام به آن ها صرف  
آن ان بودن، مدرت و محل سفید نظریات و محرم دانستن آن کار نمی آید نظریات نیست  
قانون مدار بودن - نظم دولت - بالا - نهاد کاری - بجهل نکردن کارها - نهاد و میدان کاری  
از این مادی تلاش و دانسی روز افزون و کار زیاد کمی از آنجمله که در جوامع پیشرفته پسر  
توسعه اخراج کرده است، می باشد. بکلی دولت در آفوره های اصل دین اسلام در فرهنگ  
ایران دیده می آید این موارد در فرهنگ جامعه دیده بود، اما صرفاً در نظریات و محلیات  
نگه آن متاسفانه جنبی در ایران دیده نمی شود.

ایرادات جامعه را بنفیس، بنزیریم و سعی در تعمیر آن در جهت مثبت دانسته باشیم.  
تا این نباشد و نبود، حتی است که هستیم.

بزرگی می گوید: دولت یک ملت در آن است که از دولت حقوق بگیرد و زندگی این بر  
تلاش و جهت و اندیشه خود استوار باشد.

و : در زندگی سه راه وجود دارد:

- راه اول: از اندیشه می گذرد، این والاترین راه است.
- راه دوم: از تقلید می گذرد، این آن نکرین راه است.
- راه سوم: از تجربه می گذرد، این بیخ ترین راه است.



# محمود سریع القلم؛ ۳۰ ویژگی شهروند مدنی

دکتر محمود سریع القلم استاد علوم سیاسی و چهره خبرساز سال گذشته که دغدغه زندگی متمدنانه مردم ایران را دارد در نخستین یادداشت خود در سال جدید ۳۰ ویژگی را برای یک شهروند «مدنی» برشمرد. مراد از «شهروند مدنی» انسانی است که در دنیای مدرن و در یک جامعه مدنی و متمدن زندگی می کند و انتظار می رود رفتارهایی از او سرزند که با معیارهای جوامع مدنی و مدرن و متمدن متناسب باشد. این ۳۰ ویژگی به روایت دکتر سریع القلم از این قرارند:

۱. به شهروندان عادی بیشتر احترام بگذارد تا کسانی که پست و مقام دارند؛
۲. بتواند سی صفحه در مورد خود، روحیات و افکار خود بدون حتی یک جمله تکراری بنویسد؛
۳. برای خود به وسعت جهان، احترام قائل باشد؛
۴. در روز حداقل پانزده دقیقه برای شناخت خود وقت بگذارد؛
۵. از کسی سوال خصوصی نپرسد؛
۶. برای هر سوالی، چندین پاسخ متفاوت قایل باشد؛
۷. اختلاف خود با دیگران را با گفت و گو حل کند؛
۸. مبنای قضاوت در مورد انسان ها: ۹۵ درصد باطن و عمل آن ها، ۵ درصد، ظاهرشان؛
۹. انتظارات خود را از دیگران به حداقل برساند. با توانایی های خود زندگی کند؛
۱۰. راست گویی و درست کاری را نه صرفاً یک فضیلت فردی بلکه استوانه آفرینش بداند؛
۱۱. برای کل جامعه و آینده آن تلاش کند و نه صرفاً در گروه و اطرافیان خود؛
۱۲. در روز پانزده دقیقه با گل و گیاه وقت بگذراند و رنگها را تقدیر کند تا بلکه قدری از قدرت، سیاست، پول و خودنمایی فاصله گیرد؛
۱۳. در صف خودپرداز بانک، یک متر از کسی که مشغول کار بانکی است فاصله بگیرد؛
۱۴. با عذرخواهی،

- فضای تنش ها را تخفیف دهد؛
۱۵. از نیاز به نمایش، عبور کرده باشد؛
۱۶. اگر می خواهد ثروتمند شود، نهادهای دولتی و حکومتی را لقب کند؛
۱۷. بر کسانی که با او تفاوت فکری و سلیقه ای دارند، القاب نگذارد؛
۱۸. در زندگی اجتماعی و سیاسی: ۹۵ درصد فکر و مطالعه و استدلال، ۵ درصد حس، شایعات و فضاها؛
۱۹. تا می تواند در رانندگی بوق نزند؛
۲۰. به گونه ای رفتار کند که صاحبان قدرت سراغ او بیایند و نه بالعکس؛
۲۱. بخش مهمی از زندگی خود را برای به جا گذاشتن میراثی ارزشمند برای جامعه، طراحی کند؛
۲۲. هنگام به کار انداختن برف پاک کن ها برای شست و شوی شیشه ها، اتوموبیل های اطراف را کثیف نکند؛
۲۳. برای هر انسانی، مستقل از اینکه چه فکری دارد و به کدام گروه تعلق دارد، ارزش انسانی قائل باشد؛
۲۴. از دوستی ها و به خصوص حلقه اول دوستان خود، مانند گل مراقبت کند؛
۲۵. حداقل در دو کار گروهی به طور دائمی، برای فرونشاندن منیت های خود، مشارکت کند؛
۲۶. اعتبار فکری افراد را در متون قابل اتکایی که تولید کرده اند، بداند؛
۲۷. وارد شبکه ذهنی منتقدین خود شود تا جهان آن ها را بهتر درک کند؛
۲۸. در رفتار اجتماعی و اخلاق فردی، قابل پیش بینی باشد؛
۲۹. به هیچ فرد، گروه و ملتی دشمنام ندهد. با مخالفین خود، حقوقی رفتار کند و؛
۳۰. شان و منزلت خود را به مراتب بالاتر از کسانی بداند که پست و مقام و منصب دارند.

